



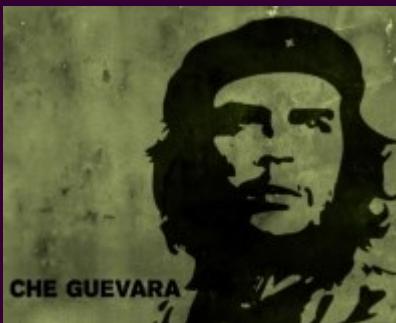
ب. زودی همراه هست
شاید همه سیاه و سفید او حذف!

CANCELLED

Yashm & morvarid

یشم و مروارید

پانزدهمین شماره ماهنامه کانون فرهنگی هنری الغدیر، مسجد علی بن ابی طالب، محمدآباد کویرات-اردیبهشت ۹۲ - تیراژ ۱۲۰ عدد



*نماینده کشور آمریکا : ما شنیده ایم که در کشور شما، میان یارانستان کسی به خدا اعتقادی ندارد آیا این درسته؟ *چگوارا: خطاب به شما میگوییم که بدانید "من کشور وطن ندارم، خاک وطن من آنجاست که انسان آزاد باشد" خیر، اشتباہ شنیده اید، مردم و مبارزان ما به خدا اعتقاد دارند... *نماینده کشور آمریکا : شما چطور؟ شما به خدا اعتقاد دارید؟ *چگوارا : "من به انسان اعتقاد دارم" "اعتقاد من آزادی بشریت است" "تا زمانی که کودکی برای درمان پای شکسته اش باید ۲۰۰ کیلومتر راه طی کند تا به بیمارستان برسد ضمن آنکه نمیتواند هم طی کند، من هیچ وقتی برای فکر کردن به خدا ندارم"



میلاد امام علی علیه السلام، بر آقا امام زمان (عج) و همهی علی دوستان مبارکباد. مسجد علی بن ابی طالب محمدآباد مراسم جشن میلاد حضرت علی علیه السلام را به همراه نماز جماعت، مدحه سرایی و پذیرایی در شب جشن ولادت آن حضرت برگزار می نماید. تشریف بیاورید

بدترین مردم کسی است که عیوب مردم را دنبال کند، در حالی که نابینای عیوب خود است. حضرت علی علیه السلام

طبقی معرفت از گلستان شیخ اجل

شاعر شیرین سخن ادبیات پارسی، سعدی لقمان را گفتند: حکمت از که آموختی؟ گفت از نابینایان که تا جای نبینند، پای ننهند
مال از بهر آسایش عمرست، نه عمر از بهر گرد کردن مال.
سخن در میان دو دشمن چنان گویی، که گر دوست گردد شرم زده نباشی.
خبری که دانی دلی بیازارد، تو خاموش تا دیگری بیارد.
نادان را به از خاموشی نیست و اگر این مصلحت دانستی، نادان نبودی.
یکی را گفتند: عالم بی عمل به چه ماند، گفت به زنبور بی عسل.
رنجوری را گفتند: دلت چه می خواهد؟ گفت: آنکه دلم چیزی نخواهد.
به چه کار آیدت ز گل طبقی، از گلستان من ببر ورقی.
گل همین پنج روز و شش باشد، وین گلستان همیشه خوش باشد

آشپزخانه علمدار بخت و سرو آچه شما میل دارید! انواع غذاء، خورشت،

کوییده، ماهی، جوجه چوبی(مناسب برای مراسمات) سفارشات پذیرفته می شود

آدرس: ابوزیدآباد، جنب پمپ بنزین، شماره تماس: ۰۹۱۳۳۶۲۴۵۱۲
۰۳۶۲۲۳۹۰۳۰۰ مديريت: فرخيان



به زودی افتتاح فست فود بابا حسین، جنب آشپزخانه علمدار!



رادیو دل SMS

۳۰۰۰۱۳۰۰۰۱۴۰۰۰

با عرض پوزش از شما دوستان،
سامانه پیامکی ما هنگام
انتشار شماره قبل در حال انتقال
بود و متاسفانه پیامک های
شما رو دریافت نکردیم...
اس ام اس هایی که اخیرا

رسید:

۰۹۱۰***۱۴۱۰: کلافه ام از حس ناسپاس بودم... وقتی که دیدم پسر معلولی خطاب به پروردگارش گفت: خدایا شکرت مرا در مقامی خلق کرده ای که هر کس مرا میبینند "تورا شکر میگوید!"
۰۹۱۳***۵۱۳۷: گاهی لازم است در زندگی برخی آدمها را گم کنید تا بتوانید خودتان را پیدا کنید...
برای عضویت در خبرنامه
پیامکی کانون الغدیر، ماهنامه
یشم و مروارید و دریافت
پیامک های مناسبی، عبارت
عضویت "(بدون گیوه)" را به
شماره ۳۰۰۰۱۳۰۰۰۱۴۰۰۰ ارسال
کنید.

۱. رخوت سنگینی در سیر
انتشار ماهنامه حس می کنم، با
ارسال مطالباتن هر چند تند و
آتشین! این رخوت را بشکنید.
با بد چاپ مطالباتن، از شما
پولی نخواهیم گرفت، هر چند
خیلی بول دوست داریم!

روز شمار این ماه

- ۲/۱ بزرگداشت سعدی
زرگداشت سه راب سپهری
- ۲/۱۱ ولادت امام محمد باقر (ع)
- ۲/۱۲ شهادت مرتضی مطهری-روز معلم
- ۲/۱۳ شهادت امام علی النقی
الهادی (ع)
- ۲/۲۰ ولادت حضرت امام محمد تقی
(ع) جواد الانعمه
- ۲/۲۳ ولادت حضرت علی (ع)
- ۲/۲۵ وفات حضرت زینب -
بزرگداشت فردوسی
- ۲/۲۸ بزرگداشت حکیم عمر خیام

ملدم عزیز...

بی انصافیست که تو را به شمع تشییه کنم،
چون شمع را می سازند تا بسوزد، اما تو
می سوزی تا بسازی. تو را سپاس.
ضمن گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهید
بزرگوار استاد مطهری، روز معلم را به
تمامی زحمتکشان عرصه‌ی تعلیم و تربیت
تبریک عرض می نماییم. خسته نباشید.



هر چه پیش میرویم، دستانی، این عروس چند ساله‌ی ابوزیدآباد را زیباتر می‌کند. حیاط زیبایی کاروانسرا، شباهی زیبایی را سپری می‌کند. از شهردار محترم، آقای نقدی و پرسنل زحمت کش، و مدیریت سفره خانه قصر کهن، آقای محمدرضا مسگری، متشرکیم.

س

شماره تماس: ۰۹۳۷۷۳۱۸۴۲۱

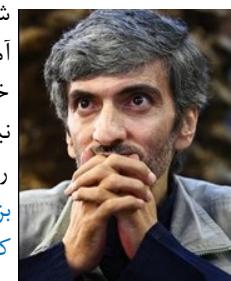


کاظمی، سید علی

کاهش نرخ تولید امروز ۲۴ فروردین ۹۳ چند تن از نمایندگان مجلس راجع به نرخ کاهش جمعیت صحبت کردند، یکی از نمایندگان به اینکه دولت برای رفع این مشکل روی وزارت بهداشت و درمان متمرکز شده در حالیکه عوامل دیگری نیز موجب بروز این مشکل شده است، اشاره کرد. که البته گویا جرات بیان آن عوامل را نداشت. اما بنظر اینجانب عامل کاهش نرخ جمعیت در جواب سه سوالی است که در این مقاله مطرح می شود. ۱. چرا سن ازدواج بالا رفته است. ۲. چرا فساد اخلاق در جامعه گاهای مشاهده می شود. ۳. چرا برخی جوانان به مواد مخدر روی می آورند. همه می دانیم سوالی که از جوان، حین خواستگاری پرسیده می شود اینست که خانه دارد یا خیر. و بسیار اندک اند پردازی که از عهده ی ساخت مسکن برای فرزندانشان برآیند. و از اینجاست که با قصه ی خرید زمین، اخذ پروانه، ساخت و ساز، نفشه ساختمان، تایید هندس ناظر و تاییدیه نظام مهندسی، حق بیمه که اخیراً شده متبری ۱۵۰۰۰ تومان،

مurd کارھائی بزرگ

شاخه شعر سپید) در دهه هفتاد است، هم روزنامه نگاری خوش قریحه و خوش قلم، و هم مستندسازی هوشیار. جعفریان در سال ۴۶ در مشهد به دنیا آمده و علاوه بر فعالیت‌های هنری و فرهنگی متعدد، دو دوره رایزن فرهنگی ایران در افغانستان نیز بوده است. باید گفت نام جعفریان با افغانستان گره خورده است. جعفریان انبانی از خاطره و سرگذشت و تحلیل است از این سرزمین نامکشوف؛ که مستند "حماسه ناتمام" در باره احمدشاه مسعود، و نیز کتاب هنوز منتشر نشده "چکر در ولایت جنralها" حاصل آشنایی همه جانبه اوست با افغانستان. به امتیازات عجیب و غریب جعفریان باید این نکته را هم افزود که او از معدود خبرنگاران جهان است که توانسته با ملامحمد عمر، رهبر طالبان دیدار کند! گریده‌ی مصاحبہ‌ی او را می‌خوانیم. بزرگ‌ترین اشتباه جوانی؟ عشق. اولین بار که فهمیدید شاعر شده‌اید؟ سال اول دبیرستان بودم که اولین شعرم را گفتم، شعری بود برای فلسطین. بچه که بودید دوست داشتید چه کاره شوید؟ نویسنده. کمترین نمره‌ی که در مکتب گرفتید؟ هفت. از درس زبان انگلیسی، سال سوم راهنمایی. کوتاه درباره سعدی؟ آمیخته شور و شعور. حافظه‌ی رند. تجلی تام و تمام کلمه رند. احمدشاه مسعود؟ آخرین چریک زمین. شما جزو هنرمندان روزگارید یا شب کار؟ شب. فقط شب. بهترین ساعت برای خلاقیت هنری؟ از نیمه شب تا اذان صبح. با پول یارانه‌تان چه می‌کنید؟ با مقداری از آن تجارت می‌کنم، بخشی را صرف امور خیریه می‌کنم و باقی مانده را مدیریت و پسانداز می‌کنم برای آینده فرزندانم! اینترنت؟ همه‌چیز و هیچ‌چیز. سیگار؟ دوست دارم و دانم که تویی دشمن جانم! قورمه‌سبزی؟ دنیایی در قابلمه. دریاچه ارومیه؟ محضر. شمارش معکوس؟ حال و روز این وزهای خیلی‌ها! بوی مورد علاقه؟ عطر شکوفه‌های نورس سنجد اگر مجبور باشید در کشوری غیر از ایران زندگی کنید، کدام کشور را انتخاب می‌کنید؟ تاجیکستان یا افغانستان. یک لطیفه شاعرانه تعریف کنید؟ کسی روی جدول نشست، جدول حل شد سه شی برای تنهایی؟ سیگار، قلم و کاغذ. حرف آخر؟ سوالات تان می‌توانست سوالات بهتری باشد تا خواننده نصیب بیشتری ببرد.



گزیده ای از طب اسلامی امام علی(ع): هر کس میخواهد پیری خوبی داشته باشد، جوانی خوبی داشته باشد. اولین و مهمترین بخش فن آوری های

سلامت تن، راه یابی به روش های پاکسازی دستگاه گوارش و کبد است. از چهار عضو رئیسه: کبد، قلب، مغز و دستگاه تناسلی، کبد مهمترین عضو رئیسه می باشد. مهمترین بخش پاکسازی بدن در مرحله اول و دوم هضم یعنی در دستگاه گوارش و کبد صورت می گیرد. ابتدای آن دهان و انتهای آن روده ها و اندام های نزدیک به آن است. دهان باید مرتب تمیز و پاک نگه داشته شود. پاکسازی لثه ها حائز اهمیت فراوان است. اگر بهداشت دهان به خوبی رعایت شود بسیاری از میکروب ها با وجود سیستم دفاعی دهان، فرست ورود به بدن را پیدا نمی کنند. در طب اسلامی، پیامبر اکرم(ص) بر مسوک با چوب مسوک تاکید داشتند. چشیدن نمک قبل و بعد از غذا از سنت های دیرین مسلمانان است. **پودر دهان:** برای تهییه پودر دهان می توان ۱۰۰ گرم سماق، گلنار فارسی، مازو، پوست انار از هر کدام ۲۵ گرم، ۱۰ گرم میخ و ۷۵ گرم نمک مخلوط کرده و با انگشت روی دندان و لثه مالیده شود و سپس بلا مسوک روی دندان کشیده و بعد شسته شود. خواص پودر دهان: ۱. از هر نوع عفونت جلوگیری می کند ۲. درد دندان را متوقف می کند ۳. بیماری پیوره را درمان و لثه ها را محکم و خونریزی لثه ها را متوقف می کند. ۴. ضد تهوع، مقوی قلب و جهاز تنفسی است.

فروش گیاهان دارویی، عرقیات و عسل های درمانی حکیم



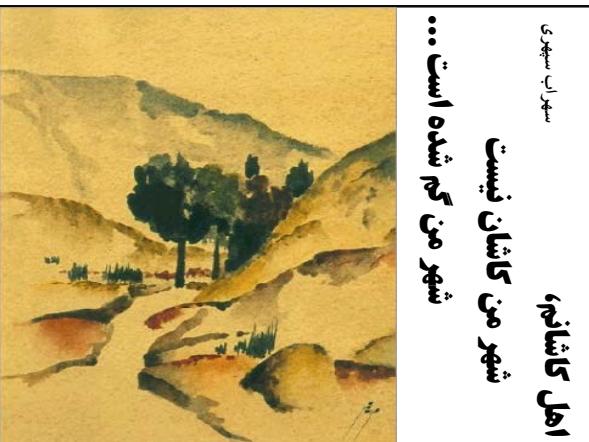


گفتند: قد بلندی!...
خوش چهره ای! خوش
تیپی! خوش لباسی!
دارم لابلای است خوان
های خاک خورده ات!
دبیل حرف مردم
میگردم!

با سپاس از دوست خوبیون آقا مسیب صدری که در مورد محیط زیست
مطلوب میدادند ایشون الان خدمت سربازی هستن



خانم سامیه بلوچ زهی ۲۶
ساله، چندی پیش با کسب
اکثریت آرای اعضای شورای
شهر، توانست شهردار
شهرستان سرباز شود. خانم
سامیه بلوچ زهی که در
خانواده ای هشت نفره و مجرد زندگی می کند توانست طلسم
مدیریت زنان در سیستان و بلوچستان را بشکند. این بانوی جوان
پس از طی کردن تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای تحصیل در
رشته منابع طبیعی به تهران آمد و پس از پایان تحصیلات خود
تهران را ترک کرد و به زادگاهش بازگشت تا برای بهبود مشکلات
زنان، مردان و کودکان زادگاهش فعالیت کند. او انتخابش را
سرآغازی برای خودبواری زنان بلوچ و به چالش کشیدن سلطه
نظام مردسالاری در این خطه از سرزمین ایران می داند
درود بر شیر زنان ایرانی



آقای حسین رجب زاده و خانواده محترم، مصیبت بزرگ واردہ را
خدمت شما تسلیت عرض می نماییم. مرهم این درد جانسوز را که
جز صبر و توکل بر خداوند نیست، از درگاه ایزد منان برای شما
خواستاریم. ما را در غم از دست دادن نو گل پرپرتاب، بنیامین
عزیز، شریک بدانید. از طرف آشپزخانه علمدار، حساب مهر
امام محمد باقر (ع)، کانون الغدیر، و مسجد علی بن ابی طالب (ع)

تنها کسی که با درست رفتار می کند خیاطم است که هر بار که مرا می بیند، اندازه های جدیدم را می گیرد؛
بقیه به همان اندازه قبلی چسبیده اند و موقع دارند من خودم را با آنها جور کنم حرج برنارد شاو

علی... آری علی نباید در خانه پدر ببالد و بپرورد اما باید از کودکی در کنار فاطمه باشد و درخانه پدر فاطمه ساخته شود. سرنوشت این کودک، با سرنوشت این پدر و این دختر پیوندی شگفت دارد. تاریخ دارد کار خودش را می کند، در آرامشی اسرارآمیز و پر از ابهام، طرح طوفانی در اندیشه می پرورد که فردا برانگیزد و بت های سخت و سنگ، نگهبانان اشرافیت و قومیت و انحصار طلبی و تضاد و تبعیض، را فرو شکند و آتش های فربیت روحانیت درباری را در آتشگاه پارس بمیراند و کنگره عظیم کاخ هول را در مدائی فرو ریزد و امپراتوری شهوت و خون و اسارت را در رم، به دریا ریزد و بزرگتر از این همه، در اندیشه و دلها، زنگار سنت ها و بند عادت ها و چرک خرافه ها و اساطیر پوسیده و تعصبهها و عاطفهها و عقیده های متعفن ضد انسانی را، همه بتراشد و بگسلد و بشوید و "ازش ها" و "افتخارها" را واژگون سازد، عوض کند و در فضای آلوده به افسانه های تبار و نژاد و مفاخر اشرافیت و قدرت و حمامه های قساوت و غارت و پرستش خاک و خون و خان و بت و همه چیز و چیزک ها، موجی از آزادی و برابری و عدالت و جهاد و خودآگاهی برانگیزد و توده گمنام و بی فخر و تبار را بر خداوندان همیشه زمین برشوراند و بجای تاریخ استخوان های پوسیده و سنگ قبرهای ریخته و سلسه های تیغ و طلا، تاریخی از خون و حیات و حرکت مردم بنگارد و سلسه های آغاز کند از وارثان این "آخرین چوپان مبعوث" که هریک جبهه ای از "شهادت" بر تن دارند و تاجی از "فقیر" و عمر را همه یا در میدان نبرد بسر آورده اند و یا در تعلیم خلق، و یا در زندان ستم و در این رسالت خطیر تاریخ، فاطمه نخستین آغاز است و در اینکار، تاریخ به یک "علی" نیازمند است. این است که دست مهربان فقر، کودک ابوطالب را با داشتن پدر، به خانه عموزاده می آورد تا روان او با جاهلیت آلوده نگردد تا هنگامی که وحی رسد وی از نخستین پیام حضور داشته باشد، تا از لحظه ای که بعثت آغاز می شود، وی در متن حوادث بیفتند و در کوره رنجها و کشاکشها و اندیشه ها آبدیده شود، تا در هجرت مسئولیت خطیرش را ایفا کند، تا در صحنه های بدر و احد و خیر و فتح و حنین... تضمین کننده پیروزی انقلاب اسلام باشد... تا در کنار فاطمه، بزرگ شود و بالاخره تا با فاطمه "خاندان مثالی" انسانیت را پدید آرد و تاریخی نو را، در ادامه کار ابراهیم، آغاز کند.

برگرفته از کتاب "فاطمه فاطمه است" اثر دکتر علی شريعی



حکایت: هنگام غروب شخصی قصد نماز در ساعت آن کرد و قبل از بانگ اذان به خانه رفت تا رخت را نو کند و به مسجد رود بعد از انجام آن، در راه مسجد در کوچه ای به چاله ای افتاد و جامه اش کشیف شد پس تصمیم گرفت بازگردد تا جامه ای پاکیزه بپوشد و به مسجد رود. اما باز دگر همان کوچه و همان چاله، جامه اش کشیف گشت و قصد او شد تا بار دگر بازگردد و جامه ای دگر کند و این بار در عبور از آن کوچه شخصی دید سفید پوش، چراغ بدست بالای چاله ایستاده. سوی او رفت و با حیرت پرسید کیستی که بالای چاله ای که دو دفعه در آن افتاده ام ایستاده ای؟ گفت وی را : هیچ کس برو و به نمایت برس. بنی آدم به تأکید از او خواست تا خود را معرفی کند؟ تا آنجا که آن سفید پوش گفت؛ من شیطانم!!! آن شخص گفت عجب شیطان؟! چگونه می شود در چاله ای دویار افتادم و اکنون شیطان با چراگی در دست بهر کمک من بر بالای آن چاله ایستاده؟! شیطان وی را پاسخ گفت: خیر، چه کمکی!! که نیتم خیر نیست، بار اول چو افتادی و عزم بازگشت و جامه نو بهر عبادت نمودی خداوند از گناه تو هرآنچه بود در گذشت. و در مرتبه دوم که چونین نمودی خداوند از گناه اهل خانه ات نیز در گذشت و هرآنچه گناه بود بخشید، آدمد چراغ بدست بر این چاله بایستم تا پروردگار گناه همه اجدادت را نبخشد، حال برو و به نمایت برس.

امروز خم شدم و در گوش بچه ای که مرده به دنیا آمد آرام گفتم: "چیزی را از دست ندادی" آلبوم کامو

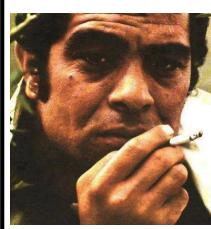
چند دقیقه شب ملایم گرانی را شد، پلیس تو بلندگو گفت: وانت کجا فکر کنم تا اینکه در مسجد بشنیم و به فراموش کنید، بباید بخندیم!!! میری؟ وانتیه تو بلندگو گشت: دارم کفش هایم فکر کنم. من: ترجیح می شما میتوانید با نگاه کردن به دست زنها می رم خونه! این جور ملت شریف دهم در فیس بوک باشم و به درس هایم احساسات اونلارو بفهمید... به طور مثال صادقی هستیم ما!!!
اگه یه لنگه کفش تو دستش باشه یعنی *این خارجیا که نمیتونون درخت به فیس بوک فکر کنم عصباًیه...
*شاعر میگه: برخیز و مخور غم جهان میکن؟ ما تا آخرین بازمانده هفت زد کی هول میده؟؟
گذران، همین که پا میشی میگه: بشنین سینمنو میخوریم، تازه داداشم ماهیاشم ندا آمد بی ادبان! فهمیدم لقمان هم تو و دمی به شادمانی گذران میخوره(:)
*علی شریعتی: ترجیح می دهم با کوتاه ترین لطیفه: سایپا مطمئن!!!
*سر چهار راه یه وانت از چراغ قرمز رد کفشهایم در خیابان راه بروم و به خدا عجب گیری کردیما...

سلام سوژه نابم برای عکاسی
ردیف منتخب شاعران و سوسائی
سلام "هوبره" فرش های کرمانی
ظرافت قلیان های شاه عباسی
تجسم شب باران و محمل سوری
تلaci غزل و سنگ یشم الماسی
و ذوالفنون، شب چشم تو راه تار زده
به روی جامه دران با کلید "سل لا سی"
دعای همان روزگار کودکی است:
خدا تنه ته دو باله تو ممال من باسی

زندگی در زمین تا ۱۰۰۰ سال آینده، دیگر غیرممکن خواهد بود.



پروفسور استفن هاوکینگ، فیزیکدان انگلیسی که عمر کاری خود را صرف رمزگشایی جهان کرده، خواستار ادامه کاوش فضا به خاطر ادامه حیات انسان شد، این دانشمند ۷۱ ساله اظهار کرد که فکر نمی کند انسانها بتوانند ۱۰۰۰ سال آینده را بدون فرار به خارج از مرزهای سیاره شکننده زمین دوام بیاورند، هاوکینگ ۵۰ سال پیش دانشجوی دانشگاه کمبریج بوده، این فیزیکدان که برای کار بر روی سیاهچاله ها و منشأ کیهان شناخته شده است، شهرت خود را برای آوردن مفاهیم مرموز فیزیک به جرم ها از طریق کتاب های پرفروش خود مانند "تاریخچه کوتاه زمان" بدست آورده است، هاوکینگ اظهار کرد: اگر بدانید که جهان چگونه عمل می کند، می توانید آن را به شکلی کنترل کنید، این استاد فیزیک علی رغم بیماری خود همچنان فعالانه در حوزه فیزیک فعالیت می کند، هاوکینگ اظهار کرد: هرچقدر زندگی بنظر سخت بیاید، همیشه کاری هست که در آن بتوانید موفق باشید، تکنولوژی روز به روز در حاله پیشرفت است و نمی توان نقطه ای برای پایان آن پیدا کرد، اما نگاه کردن به اتفاقاتی که ممکن است تا ۱۰۰ سال آینده رخ دهد می تواند جالب باشد، بسیاری از ما ایده هایی از آینده را در ذهن داریم و فکر می کنیم همه چیز ریاتیک می شود که البته دور از انتظار نیز نیستند اما باید به برخی از سوالات اساسی در این مورد نیز جواب هایی داد و شود. این جواب ها شاید دور از انتظار باشند اما احتمال وقوع آن ها وجود دارد، جهان های بیشماری بشر را احاطه کرده است. حتی روش بینان کهن هم نمی توانستند تعداد این جهان های گوناگون و متفاوت را حدس بزنند، در رویا بینی و پرواز روح امکان تجربه این جهان ها و دریافت شعور و قدرت میسر می گردد ابتدا باید پذیرفت که چنین است نه کورکورانه بلکه بر اساس عالم و دلایل محکم تهیه و تنظیم: مجید دوست رضا



از بچه های قدیم تردیدی سرد بر سراسر زندگیش خیمه زده بود. ریشه های این تردید را در نوجوانی اش جستجو می کرد، زمانیکه رویاهای بزرگ ذهنش همچون شمعی در باد دستخوش حوادث دلخراش شدند و روزگار سخت کرکره ای آنها را پایین کشید. روحش خمیده بود و به قول خودش بیست سالی بود که آب خنک زندان تن را می خورد. عقیده داشت که در دالان خانه ای رویاهای بزرگش خاک مرده پاشیده اند. "تقدیر چنین کرد" را در قلب خود حک کرده بود. هیچ کس را فراموش نکرده بود، اما به گمانش همه او را فراموش کرده بودند. می گفت: بر های این حوالی از گرگ ها وحشی ترند. از شخص خاصی اسم نمی برد، اما جوری صحبت می کرد که انگار یک عده زالو دست در دست هم گذاشته بودند و اعتماد به نفس را از او مکیده بودند. آری او قربانی حسادت دشمنان به ظاهر دوستش شده بود.

هرگز اینم ز مار ننشستم

که بدانستم آنچه خصلت او است

زخم دندان دشمنی بترا است که نماید به چشم مردم دوست(حضرت سعدی) آلیوم عکسهاش را یا بهتر است بگوییم زندگیش را برای من ورق می زد، از کودکی تا همان نوجوانی. دیگر عکسی نگرفته بود. همراه با تداعی خاطراتش گاهی لبخند تلخی می زد، گاهی آه سردی می کشید و گاهی هم به دیوار تکیه می داد و خیره می شد، با اینهمه اما اشکی نریخت، چون هنوز هم غرورش همچون آتشی زیر خاکستر پنهان بود. شاید اشکهایش در انزوا آتش درونش را خاموش می کرد. کسی را نداشت که سر بر شانه هایش بگذارد و تنها ایش را بشکند. به راستی که چقدر بی تفاوت شده ایم. چند باری مهمان حال آمیخته با گذشته اش بودم. نفسش بوی دلردگی می داد. خسته بود و چشم به راه پایان. پایانی تلخ که دیری نپایید تا رقم خورد. اکنون زیر خروارها خاک آرمیده است. روحش شاد سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی

تو خود آفتاب خود باش و طلسیم کار بشکن ز برون کسی نیاید چو به یاری تو اینجا تو زخویشن برون آ، سپه تثار بشکن (شفیعی کدکنی) به قلم علی قربانی

گالری عکس



ها ای شیب ملا یم که میگی اینه؟!



شما گزینه هایتان را روی میز بگذارید، ما گزینه هایمان سر در خانه مان نصب است...



با تشکر از آقایان: علی باقری، احمد سلمانی، علی قربانی، مجید دوست رضا، یوسف نجارزاده و دیگر همراهان
کانون الغیر، مسجد علی بن ابی طالب (ع) محمدآباد کویرات.
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۱۴۰۰۰۰۱۴۰۰۰
alghadirblog.ir
ویلاغ: همراه مدیر مسئول:
aminmesgari@yahoo.com ایمیل: